

### گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران!

یافت ۰۰ در یک سوم از کره زمین پرچم صبقه کارگر در اعتراض است و پشای سوسیالیسم به عنوان سیستمی جهانی بر ویرانه های فاشیسم و سرمایه سه دستاورد این مبارزه خونین است.  
صبقه کارگر کشورهای سرمایه دار هم اکنون با مبارزه خود علیه بیکاری و بر له صلح و عدالت همچنان ادامه میدهد.  
صبقه کارگر ایران، بویزه هسته مرکزی بقیه در صفحه ۸.

در اول ماه ماه سال ۱۸۸۶ کارگران شیلاگوی آمریکا با تظاهرات خونین خود، در فترت مبارزه را علیه ستم سرمایه سه بر افزایش دادند. از آن روز تا کنون هر سال اول ماه مه به پاس مبارزه خونین صبقه کارگر بعنوان سمبل مبارزه علیه دزد سرمایه و روز همبستگی جهانی کارگران جشن گرفته میشود.  
صبقه کارگر در صی این ۱۰۲ سال مبارزه و پیکار به پیروزیهای شگرفی دست

### ترقد جدید جمهوری اسلامی در منطقه

و مردمی روستاها به شوراها از طریق اعمال نظر در انتخابات شوراها و دستگیری و پیگرد آنها، تلاش در جهت تهی ساختن مضمون انقلابی شوراها و تعدیل وظایف آنها در حد ارگانهای صنفی در روستاها، گرفتن اجاره بها از زمینهای تحت کشت شوراها، اعلام مناقض وسیعی از زمینهای صادره ای از بقیه در صفحه ۴

جمهوری اسلامی از بدو پیروزی انقلاب جهت حفظ و بازگرداندن منافع کارگران خلق ترکمن در ترکمنستان ایران از هیچ جنایتی خودداری نکرده و هنگام با سرکو و اعدام اعضای مبارز شوراها و مبارزین ترکمن به انواع ترندها و نیرنگها توسل جسته است. تصفیه شوراها از عناصر انقلابی، جلوگیری از انتخاب عناصر مبارز

#### در این شماره :

در صفحه ۲

حضور رژیم خمینی در لبنان

در صفحه ۵

در جواب تهمت نامه سازمان اکثریت

در صفحه ۱۲

ترور جنایتکارانه ابوجهاد

در صفحه ۳

بیانیه مشترک

### گرامی باد ۶۴مین سالگرد اعلام جمهوری ترکمنستان ایران

۳۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۳ (۲۰ ماه مه ۱۹۲۴) نقطه عطفی است در تاریخ مبارزات استقلال طلبانه و رهایی بخش خلق ستمدیده ترکمن این روز یادآور اقدام تاریخی پدران ما علیه ستم ملی و باز یافتن هویت ملی خلق ترکمن و روز کاشتن نهال استقلال و آزادی برای نسلهای آینده خودپر میان آتش و خون است. در این روز بود که مبارزین ترکمن در مقابل اولتیماتوم قلدتر منشانه رضاخان مبنی بر تحویل سلاح، پرداخت باصطلاح مالیاتهای عقب افتاده و در مقابل عدم شناسایی استقلال داخلی خلق ترکمن از طرف حکومت مرکزی، نه تنها مربعی قدرت نمایی ارتش رضاخان نشد بلکه بدعتی بزرگ از شهامت و فداکاری و مبارزه جهت تحقق آرزوی دیرینه خلق خود، یعنی حفظ استقلال و حق تعیین سرنوشت خلق خویش بدست خویش، در سخت ترین شرایط آرزوی گذشتند.  
در سی ام اردیبهشت سال ۱۳۰۳، تمامی نمایندگان طوایف ترکمن، جهت اتخاذ تصمیمی تاریخی و مقابله با قسوی تجاوزگر رضاخانی، اولین کنگره خلق ترکمن را تشکیل دادند. عاجلترین و مهمترین وظیفه این کنگره، غلبه بر اختلافات و خصوصتهای پدید آمده در بین طوایف ترکمن و تأمین اتحاد رزمجویانه آنها بقیه در صفحه ۹

## حضور رژیم خمینی در لبنان

سالهاست که رژیم خمینی در لبنان حضور دارد؛ و این حضور بتدریج تقویت نیز یافته است. لبنان آشوب زده فاکتور مهمی در سیاست "صدور انقلاب اسلامی" رژیم خمینی محسوب شده و عرصه ای است جهت مانور قدرت این رژیم در خرساور نزدیک و میانه. وجود مسلمانان متعصب و افراطی طرفدار خمینی در لبنان، که تحت لوای "حزب الله" عمل می کنند، مساعدترین زمینه حضور رژیم در این سرزمین را فراهم نموده است. جمهوری اسلامی با بهره گیری از این فاکتور ایدئولوژیکی و سرازیر کردن بیدریغ میلیونها دلار به صندوق "حزب الله"، موفق به تثبیت حضور خود در لبنان شده است. طبیعی است که این حضور بدون اعتراض و مقاومت دیگر نیروهای سیاسی فعال در این کشور نبوده است. جنبش امل که یکی از سازمانهای پر نفوذ لبنان بشمار می آید، از جمله نیروهایی است که همواره کوشیده تا مانع یا حداقل تضعیف حضور رژیم خمینی در لبنان شود. در این رابطه تاکنون برخوردهای متعددی بین "امل" و "حزب الله" بوقوع پیوسته و بسا بر جای نهادن ده ها کشته موقتاً فروکش کرده است. "حزب الله" به قدرت و دلار جمهوری اسلامی متکی است و "امل" به سوریه تکیه زده است. در حالیکه افراد "امل" و "حزب الله" در حاشیه جنوبی بیروت همدیگر را به رگباز می بندند، جمهوری اسلامی و دولت سوریه هنوز متحد و دست یکدیگر محسوب شده و

رابطه نسبتاً حسنه ای با هم دارند؛ هر چند این رابطه بتدریج رو به تیرگی می نهد.

در این درگیری دو نیروی مسلمان، تاکنون "حزب الله" دست بالا را داشته است. اگر "حزب الله" موفق شود دست "امل" را از جنوب بیروت کوتاه کرده و ضربات کاری بر پیکر این نیرو وارد سازد. قطعاً نقطه عطفی در تاریخ جدید جنگ خانگی لبنان ایجاد شده و ترکیب معادلات سیاسی این سرزمین بهم خواهد خورد. کوچکترین قدم پیشروی طرفداران رژیم خمینی در لبنان، آشوب، ناامنی، کشت و کشتار بیشتری را بهمراه داشته و بر شدت تشنج در منطقه خواهد افزود.

سرمداران رژیم هنوز نیز در هوای تشکیل "جمهوری اسلامی لبنان" بسر میبرند. سوریه و "امل" نیز به این هدف رژیم بخوبی واقفند. سوریه که در شرایط کنونی یکی از بزرگترین وزنه های سیاسی - نظامی خاور میانه و نزدیک بشمار می آید، از یکسوی بنابه اهمیت موقعیت لبنان برای سوریه نمی تواند تنها ناظر تحولات این کشور بوده و دست روی دست بگذارد و میدان را برای تاخت و تاز "حزب الله" جمهوری اسلامی باز بگذارد، و از سوی دیگر با توجه به رابطه ای که با جمهوری اسلامی و منافع اقتصادی ای که در این رابطه دارد، ناگزیر به رعایت احتیاط و اعتدال است. بدیهی است که این دوگانگی برخورد دیری نخواهد پایسد.

بویژه اینکه رژیم خمینی رژیمی نیست که احتیاط و اعتدال بارش باشد. سفارتخانه جمهوری اسلامی در لبنان در واقع مرکز فرماندهی نیروهای صردار خمینی است. میلیونها دلار رژیم نیز از این طریق به صندوق "حزب الله" واریز می شود. دید و بازدیدهای سران جمهوری اسلامی و ورود و خروج افراد نیز از این راه سازمان داده میشود. دولت سوریه علیرغم آگاهی از این نقش سفارت رژیم خمینی در لبنان، هنوز هم خویشتن داری اختیار کرده است.

"جنبش امل" که در میان مسلمانان جنوب لبنان از پایگاه توده ای برخوردار است، مقاومت مردم این خطه علیه تجاوز اسرائیل را سازماندهی می کند. "امل" به لحاظ مالی بدولت سوریه متکی است، همچنانکه "حزب الله" به جمهوری اسلامی وابستگی مالی و سیاسی سازمان های سیاسی به دولتهای دیگر تاریخی طولانی دارد. این وابستگی ها همیشه به عناوین مختلف توجیه و تئوریزه شده و می شوند. در شرایطی که لبنان هر لحظه از طرف رژیم صهیونیستی اسرائیل تهدید می شود، افراد "حزب الله" و "امل" بجان هم افتاده و همدیگر را می درند. جنگ بین این دو نیروی مسلمان همچنان ادامه دارد. مادامیکه رژیم تروریست و جنگ گستر خمینی بر سر کار است و مادامیکه این رژیم از تأییدات ضمنی دیگر دول برخوردار است، این قبیل جنگ و برادرکشی ها نیز ادامه خواهد یافت.

# بیانیه مشترک

## گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

بار دیگر اول ماه مه فرارسیده است . روزی که صدها میلیون کارگر در سراسر جهان دست از کار میکشند و یاد نبرد دلاورانه کارگران شیکاگو و دیگر مبارزان به خاک افتاده در راه سوسیالیسم را گرامی میدارند . این روز یادآور خصلت جهانی مبارزه پرولتاریا علیه سرمایه داری است . مبارزه پرولتاریا علیه سرمایه داری جهانی و برای تصرف قدرت و برقراری سوسیالیسم مبارزه ای است که مرز نمی شناسد چه سرمایه داری خود نظمی است جهانی و پیروزی طبقه کارگر در یک کشور خود مهمترین کمک به مبارزه پرولتاریای سایر نقاط جهان است . انترناسیونالیسم در کردار یعنی مبارزه برای سرنگونی بورژوازی " خودی " و کمک به مبارزه پرولتاریا در دیگر کشورها نیز معنایی جز این ندارد . اول ماه مه سبیل انترناسیونالیسم و تجدید عهد صدها میلیون کارگر در مبارزه مشترک برای سرنگونی بورژوازی جهانی است .

تصویر سیاسی جهان از زمانی که انترناسیونال دوم روز کشتار شیکاگو را روز کارگر اعلام کرد به کلی دگرگون شده است . پرچم صفر نمون پرولتاریا در بیش از یک کره خاک از ویتنام تا کوبا از سوریه تا آنگولا در اهتزاز است . در مقابل ، پیروزی انقلابات پرولتری با کمک و همدلی پرولتاریای پیروزمند شورهای سوسیالیستی خود دفاع از دستاوردهای تاکنونی سوسیالیسم را آسانتر کرده و با خارج کردن بخش، باز هم بیشتری از جهان از مدار

اقتدار سرمایه جهانی به استحکام اردوگاه سوسیالیسم یاری میرساند . سال گذشته نیز شاهد پیششروی تعرض اردوگاه سوسیالیسم برای صلح و خلع سلاح هسته ای بود . ابتکارات اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با بیج میلیونی افکار عمومی جهان ، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را وادار به عقب نشینی کرده و برای اولین بار یک نسل کامل از سلاح های هسته ای و موشک های میان برد از میان برداشته خواهد شد . این یک پیروزی مهم علیه امپریالیسم و سابقه تسلیحاتی بود .

حفظ توازن قوای هسته ای و نظامی و در همان حال تلاش برای کاهش سطح توازن به حداقل ممکن امکانات پرولتاریا را در تسویه حساب با بورژوازی و کسب قدرت سیاسی در نقاط مختلف جهان بیشتر میکند . بی اثر کردن " شانناژ اتمی " و تهدید به بکارگیری سلاح های هسته ای در مقابله با انقلابات پیروزمند ، از مهمترین دستاوردهای سیاست های اردوگاه سوسیالیستی در مبارزه برای صلح و حفظ توازن قوا با امپریالیسم بوده است . در نظر گرفتن این رابطه بهم پیوسته میان صلح و انقلاب اصل تخطی ناپذیر سیاست لنینی در این عرصه است . در کارزار جهانی علیه سرمایه داری ، پرولتاریای کشورهای متروپل و همگام با آنها جنبشهای رهائی بخش از آفریقای جنوبی تا شیلی ، از السالوادور تا فیلیپین و فلسطین هر روز گام تازه ای به پیش بر میدارند . کارگران

در اول ماه مه ضمن پشتیبانی از مبارزه برای صلح و خلع سلاح هسته ای ، حمایت از انقلابات و جنبش های ملی و پیشروی بی توقف برای تسخیر سنگرهای نوین در مبارزه علیه سرمایه داری را سرلوحه شعارهای خود قرار میدهند ، چه رستگاری بشریت در برقراری سوسیالیسم در سراسر جهان نهفته است .

طبقه کارگر ایران در شرایط دشواری با استقبال اول ماه مه میروند نه تنها بحران اقتصادی شدت یافته و هیچ چشم اندازی در خروج از آن وجود ندارد ، بلکه جنگ ارتجاعی ایران و عراق همچنان ادامه یافته و بدتر از آن ، عرصه نبرد از جبهه ها به شهرها کشانیده شده است . بیابان موشکی شهرهای بزرگ هر آنچه را که از اقتصاد بیمار سرمایه داری ایران باقی مانده بود در آستانه تلاشی کامل قرار داده است که بنوبه خود زمینه های عینی خیزش های توده ای را فراهم کرده است . در کنار مبارزات پیگیر کارگران ، مقاومت خلق های ایران به ویژه خلق قهرمان کرد در مقابله با یورش سعبانه ارتجاع اسلامی و رشد مبارزه روز افزون آنان برای دفاع از حقوق دموکراتیک شان ، عرصه را بر رژیم ضد مردمی ولایت فقیه تنگتر کرده است و به این ترتیب پیوند مبارزات طبقه کارگر با زحمتکشان و خلق های تحت ستم کشور ما که به یکسان بوسیله رژیم ضد مردمی اسلامی سرکوب میشوند ، هرچه بیشتر تشدید شده است .

بقیه در صفحه ۸

**ترفند جدید . . .**

صرف سر جنگلداری بعنوان مرتفع، وارد دردن جهاد و بنیاد مستضعفین به منطقه بعنوان غاصبان جدید زمینهای خلوق ترکمن و ۰۰۰ از آن جمله اند. اما با مبارزه و هوشیاری روستائیان و با تلاش انقلابیون ترکمن در مقابل تمامی این ترندها، حاکمیت نتوانست کاملاً به اهداف ضد خلوقی خود برسد.

با توجه به نقش بر آب شدن تمامی این ترندهاست که اکنون حاکمیت متوسل به ترند جدیدی شده است. حيله جدید جمهوری اسلامی همان حربه "زنگار بسته" بورژوازی یعنی "تقسیم زمینها" بین روستائیان جهت نابودی دستاوردهای انقلابی شوراها و درهم شدن اتحاد و یگانگی آنها در مقابل غاصبان است. بنیاد مستضعفین در تعقیب سیاست ارتجاعی فوق، "تقسیم زمینهای" صادره را به قطعات ۳ الی ۴ هکتاری آغاز کرده است. این زمینها تاکنون بطریق دسته جمعی و تحت نظارت شوراها کشت می شدند. بهوارات "تقسیم زمینها"، جمهوری اسلامی تمامی تسهیلات دولتی در گرفتن وام و تهیه بذر و کود بقیعت دولتی را در منطقه قطع کرده و هزینه کشت و داشت محصول را به بیش از دو برابر افزایش داده است. جدول زیر گویای واقعیت فوق میباشد:

۱۳۶۶-۶۷	۱۳۶۵-۶۶
هزینه دیزل ۶۰۰ ریال	۱۱۰۰ الی ۱۲۰۰
در یک هکتار	
هزینه شخم با ۱۵۰۰ ریال	۱۳۰۰ الی ۳۵۰۰
گاوا آهن	

از سوی دیگر دهقانانی که با وجود هزینه های کمر شکن فوق، موفق به کشت زمینهای "تقسیم شده" میشوند، بعد از مدتی مجبور هستند بعلت بالا بودن سطح زندگی و ناکافی بودن مساحت زمینهای "تقسیم شده" که کفاف زندگی یک خانواده روستائی را نمی کنند، زمینها را بفروشند. اما رژیم ترند رندانه دیگری در این رابطه بکار بسته است و آن عدم صدور سند مالکیت به دهقانان برای زمینهای "تقسیم شده" میباشد. بنابراین دهقانان مجبور هستند بعد از مدتی زمینهای "تقسیم شده" را به حال خودرها سازند.

جمهوری اسلامی نه تنها تمامی تلاشهای خود را برای غضب دستاوردهای انقلابی شوراها بکار بسته است، بلکه چشم طمع به زمینهای خرده مالکین نیز دوخته است. در راستای سیاست فوق، عوامل رژیم از هر وسیله ای جهت کار شکنی در کشت زمینهای خرده مالکین و سوق دادن آنها بسوی ورشکستگی و در یک کلام به انحطاط کشاندن کشاورزی منصفه استفاده میکنند. در پی این سیاست بود که در فصل کشت پاییزه برای دهقانانی که اقدام به کشت جو کرده بودند، کود شیمیایی و بذر به قیمت دولتی نداده و فقط برای آندسته از کشاورزان کسه در نزدیکی رودخانه ها اقدام به کشت جو کرده بودند بمقدار نصف مورد نیاز کود شیمیایی بقیعت دولتی فروختند. قابل ذکر است که جو از آنجایی که جزو نباتات مقاوم در مقابل شوری زمین است در مناطق نزدیک به رودخانه ها که درجه شوری آنها پایین است کشت نمیشود. درجه شوری در اراضی منصفه بطرف کوه کمتر و

بطرف مرز زیادتر میشود. بنابراین اقدام حاکمیت در جهت تشویق دهقانان به کشت جو در کنار رودخانه ها و اختصاص مرغوبترین زمینها به این محصول بجای کشت گندم و پنبه در آنها، گامی است آگاهانه در جهت نابودی کشاورزی منطقه و بتبع آن خانه خرابی دهقانان و دامپروران. نتیجه این سیاست تخریبی حاکمیت، بالا رفتن قیمت جو به کیلویی ۱۰۰ ریال برای دامپروران منطقه بود. در فصل کشت پاییزه امسال برای گندم کاران نیز فقط بمقدار هکتاری ۰۰ کیلو کود سفید و ۰۰ کیلو کود سیاه بقیعت دولتی فروخته شده که هیچ کدام بموقع و قابل استفاده برای دهقانان نبود. البته در این میان حساب بازاریان متمول و پر نفوذ و عناصری که با ارگانهای حکومتی روابط حسنه ای دارند، جداست. آنها براحتمی تمامی امکانات دولتی جهت کشت و کار را بنا نازلترین قیمت و بیش از اندازه مسورد نیاز خود تهیه میکنند و حتی از فروش آن بیشتر از خود دهقانان سود عایدشان می شود!

در شرایطی که دستاوردهای انقلابی روستائیان و هستی دهقانان بیش از هر زمان دیگری مورد یورش موزورانه جمهوری اسلامی و بزرگ مالکان و بورژوا-ملاکان خلع ید شده قرار گرفته است، وظیفه هواداران و اعضا کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن، جهت آگاهی روستائیان از ترندهای حاکمیت و اعمال آن در درون شوراها باید دو چندان شود. روستائیان را باید از نیات ضد انقلابی حاکمیت از "تقسیم زمینها" آگاه ساخت و آنها را به بقیه در صفحه ۱۱

## در جواب تهمت نامه سازمان اکثریت

" ایل گویچی " نشریه " شعبه خلقها " ی سازمان اکثریت در شماره پائیزی خود یک سری اتهاماتی را به کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن وارد ساخته و از بستن هر نوع تهمت و افترائی باین سازمان کوچکتر - ایائی نداشته و هر چه در انبان داشته نثار آن کرده است .

خود این نوع برخورد عصبی ، سطحی ، مغرضانه و خصمانه بیانگر آنست که رهبری اکثریت اولاً ، در برخورد با سازمانهایی که با خط مشی و سیاست سازمان اکثریت همخوانی نداشته و حتی با آن به مخالفت برخاسته اند ، توسل بهر وسیله نامشروع و مردود را مجاز می شمارد ؛ بصداق : آنکه با من نیست بر من است ؛ مخالفین باید کوبیده شوند ؛ ما این نوع شیوه کینه توزانه و ویرانگر را شیوه استیلا و اثر محکوم و مردود میدانیم . ثانیاً ، جدا شدن صف کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن از صف سازمان اکثریت برای رهبری این سازمان غیر مترقبه و غیر قابل هضم بود و هست . رهبری اکثریت بخوبی واقف است که هدف از اعلام استقلال کانون و جدا شدن آن از صف سازمان اکثریت نه " گشایش دکان تازه ی سیاسی " بلکه جدایی دو پیش و خط مشی متضاد ؛ مرزبندی با پور - تونیسیم و فرمیسیم و سالم نگهداشتن حریم انقلابی کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن است . رهبری سازمان اکثریت اکنون از قبل بهتان ، شانتاژ و شایعات فعالیت تبلیغاتی خود علیه کانون را از پیش می برد . این رهبری با زدن بهتان به کانون عمدتاً دو هدف را تعقیب میکند : اولاً ،

لکه دار کردن مخالفین خود ؛ ثانیاً ، مبرا جلوه دادن خود از بهتانهایی که به مخالفین خود نسبت میدهد . جای بسی تاسف است که بخشی از سازمانی که زمانی با حماسه سیاهکل وارد کارزار مبارزاتی شده ، حال به چنان سطحی سقوط کند که علاوه بر کسب خصلتهای پست و حقیر بهتان زنی و شایعه پراکنی ، بنام حماسه آفرینان سیاهکل و بنام " گردآ پیشتاز طبقه کارگر " از یکی از سیاه ترین و جنایت کار ترین رژیم های موجود در جهان حمایت بیدریغ کرده و در تثبیت و شکوفایی آن سهم بسزایی داشته باشد ؛ بدیهی است که ما از چنین سازمانی انتظار برخورد منطقی و بی مغرضانه نسبت به خود نداشته و برخورد های عصبی و کینه توزانه آنرا طبیعی و ناشی از ماهیت و سرشت این سازمان بحساب میاوریم . اما آنچه که مربوط به اتهامات و بهتان های وارده بمانست سعی خواهیم کرد در مقام دفاع و جهت روشنگری افکار عمومی مطالبی را بیان کنیم ؛ هر چند دیری است که رهبری اکثریت " حکم نهایی " در مورد ما را صادر نموده و در انتظار فرصتی نشسته است تا آنرا عملی سازد ! سازمان اکثریت ما را متهم به " اشاعه اندیشه های انحرافی " کرده است . در فرهنگ مطبوعات سازمانها و احزاب سیاسی هر کلمه و اصطلاح سیاسی مفهوم مشخص و کنکرتی داشته و کاربرد آن مسئولیت خاصی را بدنبال دارد . قلم

متعهد نیز حرمت خاص خود را داشته چون زبان هرزه در ایان و یاوه گویان نیست که بهر سوی بچرخد و دیروز در مدح وثنای سفاکان نخمه سرایی کند و امروز فغان داد خواهی اش از دست همان سفاکان به آسمان برسد ؛ تسلیمی که میزبان چرخش در ابعاد دوزخ و بهشت است قلم متعهدی نیست ؛ قلمی است هرزه در و تراوشات آن نه میتواند معیار سنجش باشد و نه ملاک قضاوت ! ضعباً دست بقلمان اکثریتی به معیار قلم خود و به ملاک اندیشه های خویش است که ما را متهم به " اندیشه های انحرافی " می کنند ؛ اگر چنین است ، ما را باکی نیست که این " اتهام " را بپذیریم و صراحتاً اعلام داریم که اندیشه هایی که ما اشاعه می کنیم در قیاس با اندیشه های حاکم بر سازمان اکثریت اندیشه هایی انحرافی است ؛ قلم بدستان اکثریتی در جایی ادعا کرده اند : " ما ... حق همه ملل در تعیین سرنوشت خویش را حق مسلم آنان میدانیم " ( ۱ ) . ما ، به صدق " صد گفتار قدریک کردار نیست " این جملات را نیز چیزی جز چرخش غیر متعهدانه قلم بدستان اکثریتی نمیدانیم . رهبری اکثریت در رابطه با مسئله ملی به فرمول " جز تابع کل است " معتقد است . این فرمول در واقع کپی رنگ باخته ی فرمول معروف " اولی باید پشت سرد و می گزیرم " استالین است . استالین زمانی نوشته بود : " ما باید در نظر داشتیم که غیر از حق تعیین سرنوشت خلقها ، بقیه در صفحه ۶

حق تعیین سرنوشت بدست خویشی حق همه ملل است

در جواب تهمت نامه ۵۵۵

حق طبقه کارگر برای تثبیت قدرت خود وجود دارد که بر حق تعیین سرنوشت ارجحیت دارد. مواردی وجود دارد که در آن حق تعیین سرنوشت در تضاد با حق ارجح (یعنی) حق کارگر بقدرت رسیده جهت تثبیت قدرت خود قرار میگیرد. در این موارد باید بصراحت گفته شود - حقوق تعیین سرنوشت نمی تواند و اجازه ندارد به مانعی در راه تحقق حق طبقه کارگر جهت ایجاد دیکتاتوری خویش گردد. اولی باید پشت سر دومی قرار گیرد. (۲۰) (تأکید از ماست) ۰

مضمون این جملات شالوده تئوریک و نقطه حرکت سازمان اکثریت در باره حق تعیین سرنوشت ملل به عبارتی دیگر مسئله ملی خلقهای تحت ستم را تشکیل می دهد؛ اینکه چگونه حق تعیین سرنوشت در تضاد با حق طبقه کارگر قرار می گیرد مقلوبه قابل بحثی است. خلقی که یک پارچه در راه احقاق حقوق حقه خویش مبارزه میکند و هدفی جز برقراری دموکراسی، کسب آزادی، شکوفایی و بالندگی فرهنگ ملی خویش و مآلا ایجاد جامعه ای بیگانه با هر نوع ظلم و اجحاف و استثمار ندارد، چگونه میتواند حقوقش با حقوق طبقه کارگر در تضاد قرار بگیرد؟! مگر طبقه کارگر حقوق علیحدگی غیر از موارد برشمرده شده دارد که با حقوق یک خلق ستم دیده در تضاد و تناقض قرار گیرد؟! در ایران کثیرالمله طبقه کارگر به تنهایی و بدون حمایت خلقهای ستم دیده قادر نخواهد بود بخواسته های طبقاتی خویش، دست یابد. در ضمن نباید از نظر دور داشت که جامعه ما جامعه ای نیست که در آن تنها دو طبقه سرمایه دار و کارگر

وجود داشته و تنها تضاد طبقاتی این دو دائم در تضاد و اصطکاک قرار بگیرد و هر آن ظهور انقلاب سوسیالیستی از این تضاد را انتظار بکشیم!

در جامعه ایران اقشار و طبقات دیگری نیز غیر از دو طبقه فوق وجود دارند که در سرنوشت سیاسی کشور ذینفع اند و نفعش بسزایی در تغییر و تحولات سیاسی دارند. هنوز خواسته های دیکتاتور این اقشار و طبقات بر آورده نشده، چه رسد به تحقق قریب الوقوع خواسته های سوسیالیستی طبقه کارگر!!

هدف از بیان این جملات چه بوده است. او تحت لوای "منافع طبقه کارگر" نه تنها سیاستهای ضد اقلیتها، ملی خویش را از پیش برده برخی از آنها را گروه گروه و بزور سر نیزه از سرزمین آباء و اجداد ایشان کوچانیده و در نقاط مختلف دوردست پراکنده نمود، بلکه با دست آویز قرارداد نهمین "منافع" دهها هزار انسان بیگانه از آن جمله نزدیکترین همزمان خود و لنین را که در ضمن اولین اعضا کمیته مرکزی حزب بلشویک بود هاند سر به نیست کرد.

استالین که در سال ۱۹۱۳ میلادی از طرف حزب بلشویک روسیه و بنا بتوصیه لنین مأمور تدوین نظرگاههای بلشویکها در پیوند با مسئله ملی شده بود، در اثر خود بنام "مسئله ملی و سوسیالیسم دموکراسی" که بعدها به "مارکسیسم و مسئله میلی" تغییر نام داد، دیدگاههای بلشویکها در اطراف مسئله ملی را تئوریزه کرد. و بر اساس این "تشخیص" حکم صادر اوضاع بخرنج روسیه چند ملیتی و پرداختن سوسیالیسم دموکراتیکهای اطریش چون اتو بائر و کارل رنر به بررسی و تحقیق مسئله ملی و در گرفتن بحثهای داغ در اطراف آن، بلشویکها را ناگزیر به تدوین مارکسیستی مسئله ملی میکند.

اکنون بیش از هفتاد سال است که "مارکسیسم و مسئله ملی" استالین از طرف کشورهای سوسیالیستی و اکثر سازمانها و احزاب مارکسیستی - لنینیستی بعنوان اثر علمی در باره مسئله ملی پذیرفته شده است. استالین با تألیف این اثر و بیان جملاتی از نوع جملات فوق، در دوره حکومت حدوداً سی ساله خود در عمل نشان داد که

سازمان اکثریت با ادامه فرمول "جزء تابع کل است" پذیرش بی قید و شرط فرمول "اولی" (یعنی حق تعیین سرنوشت ملل) پشت سر دومی (یعنی حق طبقه کارگر) قرار گیرد. استالین را اعلام میدارد. حال چه کسی، چگونه و کجا این تقدم و تأخر حقوق را تشخیص داده و بر اساس این "تشخیص" حکم صادر کرده و این "حکم" را پیاده کند، امری است قابل پیش بینی.

همین چند سال پیش بود که رهبری اکثریت "تشخیص" داده بود که "امام خمینی" انقلابی بوده و "تثبیت و شکوفایی جمهوری اسلامی" کل است و مقابله با قبیل آزادی، دموکراسی و غیره جز بنا بر این دومی (یعنی آزادی، دموکراسی و...) الزاما باید پشت سر اولی (یعنی "امام خمینی") قرار گیرد.

"دستاورد" این "تشخیص" بر همگان عیان است. خود رهبری اکثریت این محصول را "راستروی از موضع طبقه کارگر" "تشخیص" داده است. این کدام بقیه در صفحه ۷

در جواب قهمت نامه ...

"طبقه کارگر" است که راست روی از موضعش چنان ابعاد فاجعه باری دارد؟! در قاموس اکثریتی ها همکاری همه جانبه با یکی از جنایت کارترین رژیمهای موجود در جهان، "راست روی از موضع طبقه کارگر" ارزیابی میشود! سازمان اکثریت علیرغم ادعای خود مبنی بر "حق همه ملل در تعیین سرنوشت خویش. حق مسلم آنان است"، حتی از دادن شعار "خود مختاری برای خلق ترکمن" در نشریه "شعبه خلقهای خود" نیز واهمه دارد. برداشتن سنگ بزرگ علامت نزدن است! رهبری اکثریت فعلا شعار "خود مختاری برای خلق ترکمن" را بدهد، ادعای طرفداری از حق تعیین سرنوشت ملل پیشکششان! سازمان اکثریت خود را "گردان پیشرو طبقه کارگر" به عبارتی دیگر سازمانی مارکسیستی-لنینیستی تلقی میکند. ما بیجا نمیدانیم برخی گفتارهای کلییدی لنین در رابطه با حق تعیین سرنوشت ملل را نقل کنیم:

"سخنران، در جواب یکی از حضار، که تلقی او از مسئله ملی چگونه است، پاسخ داد که سوسیال-دمکراسی روس حق هر ملت برای تعیین سرنوشت، تصمیم تقدیر خویش، حتی جدا شدن از رویه را بطور کماهبل به رسمیت می شناسد (۳)

همچنین "ما بعنوان دمکراتها، طالب آزادی تعیین سرنوشت ملتها به مفهوم سیاسی این کلمه ( نگاه کنید به برنامه "روس" د. آ. پ) هستیم، یعنی آزادی جدایی. ما تساوی

بدون قید و شرط همه ملل در دولت و حمایت بدون قید و شرط از حقوق هر اقلیت ملی را طلب می کنیم" (۴)

لنین در جایی جهت جلوگیری از تعبیر و تفسیر لاتیوانه سخنانش توسط مدعیان، چنین بیان داشته است: "ماده یک برنامه ما ( در باره تعیین سرنوشت ملل) نباید طور دیگری غیر از مفهوم سیاسی تعیین سرنوشت یعنی مفهوم حق جدا شدن و ایجاد دولت مستقل تعبیر شود. (۵)

رهبری اکثریت علیرغم ادعای طرفداری از "حق تعیین سرنوشت ملل"، خلقها را از داشتن تشکل های جداگانه و ملی بر حذر داشته و هواداران چنین تشکل ها را اشاعه دهندگان "اندیشه های انحرافی" و تفرقه افکنان در "جنبش خلق ترکمن" و در نهایت آنها را جدائی طلب معرفی میکند. لنین طرفدار راستین "حق تعیین سرنوشت ملل" پارا فراتر گذاشته حق جدا شدن یک ملت و ایجاد دولت مستقل آنها، حق مسلم این ملت میدانند. بنظر میرسد که رهبری اکثریت یا به لنین اعتقاد ندارد و یا اینکه هنوز این جملات بچشمش نخورده است!

بهر تقدیر موضع لنین در قبال "حق تعیین سرنوشت ملل" روشن و بدون تعبیر و تفسیر است.

ما اگر خوشبین باشیم و به آیه و قسم های رهبری اکثریت باور کنیم و این سازمان را "گردان پیشتاز طبقه کارگر" و طرفدار پر و پاقرص، "حق تعیین سرنوشت" قلمداد کنیم، این توصیه آنها باید پیوسته آویزه گوش خود کنیم: همه خلقهای ستم دیده ایران! آسوده بخوابید و دنبال ایجاد دستگاه و تشکیلات خودی نروید، ما

نمایندگان طبقه کارگر ایران و تا به آخر انقلابی (۱) انقلاب سوسیالیستی کرده بعد از تثبیت قدرت طبقه کارگر بقصد زشت رسیدن و ایجاد دیکتاتوری آن حقتان را کشف. دستتان خواهیم گذاشت! بنابراین تا وقتیکه ما و طبقه کارگر انقلاب نکنیم افسارتان را بدست ما بسپارید!

قلم بدستان اکثریتی ما را متهم به "بورژوا ناسیونالیست" کرده اند. لازم به تذکر است که به لحاظ روانشناسی احساس ملی احساسی است که هیچ طبقه و قشری از آن مبرا نیست. با سوء استفاده از این احساس است که بورژوازی سعی میسوزد خصلتها و کاراکترهای مشخص فردی یا طبقاتی را به کل ملت غیر خودی تعمیم داده و یک نوع آنتی پاتی نسبت باین ملت ایجاد کند. این آنتی پاتی بمرور زمان بشکل خصومت و حتی نفرت خود نمائی میکشد. در جوامعی که بورژوازی سیطره دارد این احساس دامن زده میشود.

طبیعی است که سیطره بورژوازی و آگاهی ناسیونالیستی همزاد یکدیگرند. بورژوازی و خورد ه بورژوازی نیز همواره مشحون از این آگاهی اند. این سیطره بورژوازی و رشد آگاهی ناسیونالیستی تأثیرات منفی خود را بر طبقه کارگر و نیز سازمانها و احزابی که این طبقه را نمایندگی میکنند بر جای میگذارد. طبقه کارگر و احزاب نماینده آن جهت در پیش گرفتن سیاست درست رقیبال اقلیت های ملی ناگزیرند مدت مدیدی آگاهانه و پیگیرانه با این گرایش منسفی مبارزه کرده و خود را از وجود آن برهانند در تاریخ کم نیستند نمونه هایی که بنام طبقه کارگر اهداف بورژوازی و خورده -

برقرار باد اتحاد خلقهای تحت ستم ایران!

## بیانیه مشترک

ادامه جنگ و بحران نفت که به کاهش فاحش درآمدهای ارزی و ریالی رژیم جمهوری اسلامی منجر شده است وضعیت را پیش آورده که حتی ارز لازم برای واردات مایحتاج ضروری توده های مردم وجود ندارد و این در حالی است که جنگ بیشتر از چهل درصد از کل بودجه عمومی دولت را می بلعد . کسر بودجه عظیم (یک سوم کل بودجه) در کنار رکورد تولید " وعده یک تورم چند ده درصدی را میدهد و قدرت خرید ناچیز مردم باز هم سقوط خواهد کرد .

ادامه سیاست نظامی کردن اقتصاد و تخصیص " سهم شیر " به جنگ و نیروهای سرکوبگر ، معنایی جز کاهش بازهم بیشتر فعالیت تولیدی ، تعطیل کارخانجات و موسسات تولیدی و اخراج بازهم بیشتر کارگران نخواهد داشت . آنگاه همین

رژیم ویرانگر و ددمش در بلندگوهایی تبلیغاتی ، تصویر " قانون کار " اسلامی خود را به عنوان " هدیه الهی " به کارگران وعده میکند . این همه تبلیغات حصول قانون ارتجاعی مذکور بی دلیل نیست . رژیم هنوز مزه شکست های پیشین لویاج پیشنهادهای فوق ارتجاعی برای قانون کار را به یاد دارد . چرا که مقابله همه جانبه و دلاورانه و متحدانه کارگران در دو مورد باعث عقب نشینی رژیم شده بود . رژیم به خوبی از قدرت نهفته در درون طبقه کارگر آگاه است .

بدون شک کارگران ایران امسال نیز همچون سالهای پیش در گرد هم آئی های سنتی و مستقل خویش ، اول ماه مه را در اشغال گوناگون جشن خواهند گرفت و از این فرصت برای طرح خواسته های خویش و تبدیل این گردهمائی ها به یک اعتراض همه جانبه علیه جنگ ، علیه اخراجها ، علیه اختناق ، علیه ستم و استثمار و بالاخره

علیه رژیم جمهوری اسلامی استفاده خواهند کرد .

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران !

سرتنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران !

نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا !

مرگ بر جنگ ، زنده باد صلح ، زنده باد انقلاب !

هرچه مستحکم تر باد پیوند خلقهای تحت ستم و زحمتکشان با مبارزات طبقه کارگر !

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته خارج از کشور

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن - کمیته اروپا

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۷

## گرامی یاداول ...

آن یعنی کارگران صنایع نفت دارای سنت مبارزه انقلابی بوده و هیچگاه از مبارزه راه خواسته های صنفی و سیاسی خود از پای ننشسته است . اینکه آنها بسا اعصاب سیاسی خود کم رژیم تها را شکستند ، خود گویای نقش تعیین کننده این طبقه در تحولات کشور است . پرولتاریای ایران در طی ۹ سال بعد از انقلاب بهمن ، همواره مورد هجوم رژیم ضد بشی خمینی قرار گرفته و می گیرد . طبقه کارگر از داشتن شکل های صنفی و سیاسی خود محروم است و رژیم ولایت

فقیه در جهت اهداف ضد مردمی خود و با نیت مس نمودن مبارزه صنفی کارگر به ایجاد شکل های خود ساخته رنگارنگ از قبیل شوراهای کارگری اسلامی و انجمنهای اسلامی کارخانجات و غیره پرداخته است . رژیم جنگ طلب خمینی با اعزام کارگران به جبهه های بسی بازگشت ، اخراج کارگران مبارز ، باز خرید کارگران کارخانها ، تصویب قوانین ضد کارگری و نظامی کردن خط تولید عمدتاً در مقابل کارگران قرار گرفته است . رژیم اسلامی نه تنها وجود طبقه کارگر را بعنوان طبقه ای مستقل تحمل نمی کند

بلکه با دستاویز قرار دادن تزارتجاعی " امت واحد اسلامی " منکر هرگونه تمایزات طبقاتی و ملی در جامعه است . طبقه کارگر ایران در کوره انقلاب بهمن تجارب گرنقدی را کسب نمود . این صنف با ایجاد شوراهای کارگری بعد از انقلاب و تحمیل اول ماه مه بعنوان روز تعطیل رسمی به حاکمان ضد مردمی - جرم و با به شکست کشاندن صرحهای ضد کارگری وزارت کار رژیم و . . . نشان داد که در سایه اتحاد قادر است حرف خود را بر کرسی بنشانند .



گرامی یاد ۶۴-مین سالگرد...

بود . این اختلافات محصول درگیریهای قومی سالیان دراز در بین خلق ترکمن بوده و تا حدودی نیز ریشه در وضعیت ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه آن روزی خلق ترکمن داشت .

این اختلافات از طرف حکومتهای وقت بکمال مورد بهره برداری قرار گرفته و بسه آن دامن زده میشد . کنگره توانست با درایت سیاسی کامل و با تکیه بر سنن دیرینه خلق ترکمن ، یعنی شیوه شورایی حل و فصل حادترین مسایل ، به این مانع بزرگ در راه اتحاد خلق ترکمن ، فایق آید . تمامی طوایف ترکمن موظف بجه پرداخت خسارات ناشی از جنگ و خونریزی داخلی به یکدیگر شدند و پیمان بستند که با گردآوری نیروهای خود در جهت تشکیل ارتش واحد و منظم تلاش ورزند . از طرف کنگره قرار ایجاد ارتش ملی صادر شده و مسئولین امر بدون فوت وقت به تشکیل آن همت گماردند . کنگره به اتفاق آراء تشکیل جمهوری ترکمنستان ایران را اعلام نموده و عثمان آخون را بعنوان اولین رئیس جمهور برگزیدند . بدین ترتیب برای اولین بار جمهوری ترکمنستان ایران پایه عرصه حیات گذاشت . این جمهوری علاوه بر بسیج نیرو جهت مقابله با ارتش رضاخانی و بر داشتن گامهای اساسی برای حل معضلات اجتماعی و اقتصادی ، در عرصه سیاست خارجی نیز با اعزام سفرای خود به کشورهای مختلف بویژه به ترکیه و برقراری و حفظ روابط دوستانه خود با اتحاد جماهیر شوروی ، فعال بود . از طرف دیگر جمهوری ترکمنستان ایران

جهت تأمین اتحاد خلق ترکمنستان جهت تأمین اتحاد خلق ترکمن با دیگر خلقهای تحت ستم ایران بخصوص با کردهای شمال خراسان گامهای اساسی برداشت و اتحاد رزمجویانه ای را با خلق کرد علیه رضاخان برقرار نمود . این جمهوری با جنبش جنگلیها به رهبری میرزا فوجک خان نیز ارتباطات محدودی را برقرار ساخت .

جمهوری ترکمنستان ایران توانست قریب بدو سال ، در جنگی نابرابر در مقابل ارتش مزدور رضاخان مقاومت کند . در این مقاومت حماسی ، چهره های مبارزی چون الهیارخان ، نپرسردار ، نصیرامندخان و گوکی صوفی و . . . درخشیدند و بدین از حماسه و فداکاری برای نسلهای آینده بجای گذاشتند . علی رغم مقاومت شجاعانه و متذکر رزمندگان ترکمن ، سرنوشت نبرد از قبل تعیین شده بود . حملات بلاوقه قوای متجاوز با بهره گیری از سلاحهای سنگین و هواپیماهای جنگی ، کمبود شدید اسلحه و مهمات رزمندگان ترکمن و عدم امکان تأمین آن ، محاصره اقتصادی ترکمنستان ایران ، خیانت بعضی از خانها و روحانیون که تحت تأثیر تطمیع و فریب فرماندهان نظامی بخدمت ارتش رضاخان در آمده بودند و بالاخره عدم وجود حمایت مؤثر از این جمهوری از طرف نیروهای مرفعی و انقلابی داخلی و خارجی ، بدلیل عدم درک مسئله ملی خلقهای تحت ستم ایران ، و ارزیابی غلط از ماهیت رضاخان ، باعث شکست خلق ترکمن و سقوط جمهوری ترکمنستان ایران گردید .

علیرغم سرکوب جنبش و سقوط جمهوری ترکمنستان ایران و استقرار دیکتاتوری

رضاخان در منطقه ، مقاومت های پراکنده و درگیریهای پارتیزانی تا مدت ها همچنان ادامه یافت . از برجسته ترین این مقاومتها ، قیام آنا گلدی عاج بود که تا سالهای ۳۶ - ۱۹۳۵ ادامه یافت . هر چند این مبارزات در هر دوره ای با تغییر تدریجی جامعه ترکمن ، اشکال متنوعی بخود گرفت ، اما مسئله تأمین حیات تعیین سرنوشت خلقمان همانند خط سرخسی از ورای این اشکال متنوع مبارزاتی و حتی هنگام تسلط جریاناتی که بیگانه با این مسئله بودند ، امتداد یافت و مبارزات زیادی جهت تحقق آن پای در میدان مبارز گذاشتند و قهرمانانه بخاک افتادند و بپای خیزاستند .

تشکیل کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بدنبال وقفه طولانی ناشی از سقوط جمهوری ترکمنستان ایران - بمشایبه سازمانی انقلابی و مستقل ، حکم تدویم منطقی - اینبار سازمان یافته - مبارزات بنیانگذاران این جمهوری بود . طبیعی است سازمانی که خود استقلال نداشته و تا این استقلال ریوده شده را باز نیابد ، قادر نخواهد بود در امر خطیر استقلال وارد کارزار نشود .

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بعنوان سازمانی مستقل و بمشایبه آنها وارث و ادامه دهندة راه مبارزان جمهوری ترکمنستان ایران ، با تصبیق اهداف اصیل آن مبارزان با شرایط امروزی جامعه ترکمنستان ایران ، در تلفیق این اهداف با بینشی علمی و انقلابی مبارزه میکنند .

گرامی یاد شهیدای قهرمان جمهوری ترکمنستان ایران

ایلیم گوونوم بولمسا آییم گوونوم دوغماسئن  
اؤز ارکین لیک یایداغی گینگ صأحرامدایارلاسن

در جواب تهمت فامه...

بورژوازی دنبال شده و با همین حربه نیروهای مترقی و انقلابی ایسزولسه و سرکوب گشته اند .

ایدئولوژی قالب در يك جامعه پیوسته ایدئولوژی طبقه قالب بوده است- بنابراین ناسیونالیسم بورژوازی یک پدیده تاریخی است. آنچه که در بررسی این پدیده تاریخی باید مد نظر گرفته شود، تفکیک ناسیونالیسم ملت ستم گرا از ناسیونالیسم ملت ستمدیده است.

گیریم که سازمان اکثریت "گردان پیشتاز طبقه کارگر" و به زعم آن، کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن سازمانی "بورژوا ناسیونالیستی" است (البته نه آن صحت دارد و نه این!) . بر کسی پوشیده نیست که خلق ترکمن خلقی است ستمدیده نه ستمگر، و کانون نمایندگانه این خلق ستمکش است. بنابراین اگر کانون با دعای رهبری اکثریت سازمانی "بورژوا - ناسیونالیستی" باشد طبعاً ناسیونالیست ستمکش است نه ستمگر!

لنین در سال ۱۹۱۴ میلادی نوشته بود "هر ناسیونالیسم بورژوازی ملت ستمکش، دارای محتوای عمومی دمکراتیک است که علیه ستم جهت گیری نموده است، و ما از این محتوا بدون قید و شرط حمایت میکنیم." (۶)

خوشبختانه لنینی وجود داشته، و ما می توانیم در دفاع در برابر اتهامات و یاد آوری برخی مبانی لنینی بسنخود آقایان مدعی "گردان پیشتاز طبقه کارگر"، به سخنان او استناد کنیم.

خلقهای ستمدیده نقاط مختلف جهان جهت رهایی خویش از قیود امپریالیستی

و سلطه حکومتهای وابسته و ارتجاعی و در راستای شکوفایی ملی خویش، دست به مبارزات گسترده ای زده اند .

رهبری این مبارزات عمدتاً در اختیار احزاب و سازمانهایی است که حامل اندیشه های ناسیونالیستی هستند . این نوع ناسیونالیسم که علیه امپریالیسم و ارتجاع جهت گیری نموده است، دارای محتوای دمکراتیک و مترقی است . هرمدیف معرفی کردن ناسیونالیسم ستمکش با ناسیونالیسم بورژوازی ملت ستمگر آب به آسیاب دشمن ریختن است .

البته ما قصد آنرا نداریم که به رهبری اکثریت ناسیونالیست نبودن خود را اثبات کنیم . قصد ما تنها یادآوری نکات ابتدایی و بسیار بدیهی در باره شناخت مقوله ناسیونالیسم است . رهبری اکثریت خبری، خاصی در کلی گویی، ادغاب و مخلوط کردن نخود و انواع و اقسام فرمولها و تئوریهها و مشوش کردن ذهن هواداران خود دارد .

این نکته نیز ناگفته نماند که ناسیونالیسم ملت ستمگر در شرایط سلطه امپریالیسم عمدتاً بصورت شوینیزم و حتی نژاد پرستی بروز میکند . ما در ایران نمونه بارز این شوینیزم را چه در دوره رژیم پهلوی و چه در حال حاضر تحت سلطه رژیم خمینی به عینه مشاهده و تجربه کرده و می کنیم .

در کنار ناسیونالیسم بورژوازی باید از ناسیونالیسم خورد بورژوازی نیز نام برد این نوع ناسیونالیسم بسیار سخت جان بوده و خطرش کمتر از ناسیونالیسم بورژوازی نیست . خرده بورژوازی که بنا به اهلیت خود پیوسته بین طبقه بورژوازی و طبقه

کارگر در نمان است، قادر است بصورت اشکال مختلف ظهور کند؛ گاهی ملبس به جامه این طبقه و گاهی ملبس به جامه آن طبقه؛ سازمان اکثریت در ایام ماه عسلش با "خمینی" مدتی به قبال او در آمده بود و اکنون جامه دیگری بر تن کرده است؛ تا بسوده چنین بوده ...!

ادامه دارد .

۱- ایل گوچی، شماره ۱۱، صفحه ۴  
 ۲- استالین: مجموعه آثار، جلد ۵، صفحه ۲۳۲، برلین شرقی، ۱۹۵۲ میلادی  
 ۳- لنین: روسیه فعلی و جنبش کارگری، مجموعه آثار، جلد ۱۹، صفحه ۳۰  
 ۴- لنین: طرح برنامه برای چهارمین کنگره سوسیال-دمکراتیکهای لاتانسد، مجموعه آثار، جلد ۱۹، صفحه ۹۴  
 ۵- لنین: تزهایی درباره مسئله، ملی، مجموعه آثار، جلد ۱۹، صفحات ۲۱۳ تا ۲۱۵  
 ۶- لنین: درباره حق تعیین سرنوشت ملل، مجموعه آثار، جلد ۲۰، صفحه ۴۱۵

ترور جنایتکارانه...

روابط این دو می دهد. قرار گرفتن سوریه و سازمان آزاد بیختر، فلسطین در يك صف مشترك و پیشبرد پیکار مشترك آنها علیه امپریالیسم و صهیونیسم، غرض تجسس و دست اندازی این دو نیروی متجاوز را تنگ و تنگتر خواهد کرد .

### گرامی باداؤل ...

در شرایط کنونی که جنگ ویرانگر ایران و عراق تمام هستی کشور را بر باد میدهد، وضعیت توده‌های مردم و بویژه طبقه کارگر روز بروز بدتر میشود، خلقهای ایران تحت ستم مضاعف قرار دارند و رژیم ضد بشری خمینی در جهت امحای آنها برآمده است. تاریخود جامعه را بحرانی فراگیر فرا گرفته است. وظیفه پرلتاریای ایران است که با در نظر گرفتن شرایط دشوار لحظه و با توجه به ساختار چندملتی جامعه ایران و برای اینکه بتوانند مهر خود را بر تحولات آتی کشور بزنند قبل از همه باید تشکلهای صنفی-سیاسی خود را تشکیل دهد و در گام بعدی بیانگر خواسته‌های اساسی توده‌های مردم و کلیه خلقهای ساکن ایران باشد.

خلقهای ساکن ایران با ستم، خلفهای ساکن ایران اعم از کردها، ترکمنها، بلوچها، عربها، آذربایجانیها و ... در مبارزه ملی-صبقاتی خود از نزدیکترین متحدان صبقه کارگر ایران در مبارزات حال و آینده آن می‌باشند.

صبقه کارگر ایران بدون توجه جدی به مسئله خلقهای ساکن ایران قادر به ایفای نقشی نخواهد بود. آنچه که صبقه کارگر را با سازمانهای انقلابی-دمکراتیک خلقهای ایران پیوند میدهد همانا یسوی بودن اهداف آنها در بنای جامعه‌ای نوین متکی بر دموکراسی و عدالت اجتماعی است.

کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی.

کارگران را به همه کارگران و زحمتکشان کشور تبریک گفته و بر آنان درود میفرستد.

کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن ضمن آرزوی موفقیت در مبارزه طبقه کارگر در رسیدن به اهدافش، همواره خود را هم‌زمن پیدارگر کارگران و زحمتکشان ایران در سر نشونی ج - ا و بنای جامعه‌ای نوین متکی بر صلح و دموکراسی و عدالت اجتماعی میدانند.

سرنگون باد رژیم ضد مردمی ج - ا گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران.

هر چه مستحکمتر باد پیوند بین طبقه کارگر ایران با خلقهای تحت ستم

### عاقبتی کمالی گریک

آووال باشدا قوچ بیگدینگ ،  
عاقبتی کمالی گریک  
لابزی خوش ایله یوقوملی ،  
سوزلری مازالی گریک  
نیسینه دک دورماغا ،  
آچلار نان پرمآگه ،  
دوشمانی پرک اورماغا ،  
تؤیس آغزی بیر ایلی گریک  
میهمانا خنزماز ایتماگه ،  
دوست یار کؤنکلؤنه بیتماگه ،  
یاخشنی آدین پاشن ایتماگه ،  
ایلنده کؤپ مالی گریک  
میداندان گلیمه نانی ،  
أولدر جو مارتلیق نئشاننی ،

محررکده بیللیل یاننی ،  
سایراماغا تیلی گریک  
نادانلار کؤرر انانی ،  
کسگیرت قتلچ ، اوقتی - یایی ،  
آت - یاراغ ، اسبابی - شاین ،  
دوشمانا دؤن دؤلی گریک  
نامارت گزیر کان ایچینده ،  
غورئ آتد نرسان ایچینده ،  
قوچ بیگیت میدان ایچینده ،  
سربست قوچاق ، دالی گریک  
ذلیلی دییر ، دؤنیأ یالان ،  
سایلاپ ، سچیب ، سؤیؤپ یالان ،  
آپدان ، تاپدان ، حالدان بیلین ،  
بیر صاحب جمالی گریک

### ترقند جدید ...

مبارزه ای مشکل علیه "تقسیم زمینهای" شورایی فراخوانده خرد مالکین را ترغیب به ایجاد تعاونیها جهت مبارزه ای مشکل برای گرفتن بذر و کود و سایر امکانات کشت و داشت محصول کرد. مردم منطقه را از سیاستهای تخریبی حاکمیت جهت به انحطاط کشاندن کشاورزی و دامپروری منطقه آگاه ساخت ، تا همه متحدان علیه سیاستهای ارتجاعی حاکمیت در منطقه به مبارزه برخیزند .

### ترورجنایتکارانه ...

بکنم  
نزدیکی دولت سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین و دعوت شدن عرفات از طرف اسد به دمشق ، خبر از زده شدن تیرگی بقیه در صفحه ۱۰

## ترور جنایتکارانه ابوجهاد

در آستانهٔ چهلمین سال ایجاد دولت صهیونیستی اسرائیل، ابو جهاد جانشین یاسر عرفات، توسط آدم کشان مصاد بقتل رسید. ابو جهاد که همواره توسط عده قابل ملاحظه ای از محافظین خود بدقت تحت محافظت فرار می گرفت، اینبار تنها دو تن از آنان را بهمسراه داشته است. هفت تن از آدم کشان حرفه ای مصاد، سازمان امنیت اسرائیل، ملپس به جامهٔ گارد های تونس که برنامهٔ ترور ابو جهاد را ریخته بودند، با استفاده از این موقعیت وارد محل اقامت ابو جهاد در تونس شده خود وی، راننده و دو تن از محافظینش را بقتل می رسانند.

ابو جهاد که ۵۲ سال داشت، رهبری تمامی عملیات نظامی را بعصده داشته و جنبش فلسطینی ها، بویژه جنبش انقلابی اخیر را سازماندهی میکرد.

دولت صهیونیستی اسرائیل به قصد محروم ساختن خلق فلسطین از چنیسن رهبر و سازماندهی و ضربه زدن بانقلاب فلسطین دست به ترور ابو جهاد زده است. هر چند مصاد موفق شد ابو جهاد را از میان بردارد، ولی به هدفی که از طریق این ترور دنبال میکرد دست نیافت. ترور ابو جهاد باعث اعتلای انقلاب فلسطین و اعتراض و انزجار افکار عمومی جهان گردید. کمتر دولت، حزب و سازمانی است که این ترور را محکوم نکرده باشد.

اسحاق شامیر، نخست وزیر اسرائیل، به عبث کوشید تا ترور ابو جهاد را به خود فلسطینی ها منسوب کرده و قبیل وی را ناشی از اختلافات و درگیری های درون

قطعا نه به نفع حافظ اسدیوده و نه بنفع یاسر عرفات. یاسر عرفات در پی این جدائی توجه خود را بیشتر بسوی اردن هاشمی و مصر معطوف داشت؛ با این توهم که شاید متحدین واقعی را می توان در وجود آنان جستجو کرد و از طریق آنان موفق به فراهم نمودن مقدمات تشکیل دولت مستقل و ملی خلق فلسطین شد. گذشت پنجسال و تجربهٔ سیاست بازیهای ملك حسین و حسنی مبارک، برای یاسر عرفات کافی بود تا کارنامهٔ پنجسالهٔ "دوستی" با اینسان را مورد بررسی و مذاقه قرار داده و نتایج لازمه را بیرون بکشد. سیاست اردن و مصر که علیرغم نزاکت های مصلحتی، جسدا از سیاست واشنگتن در خاور میانه و نزدیک نیست، بزودی سازمان آزاد بیخش فلسطین را از توهم موجود بیرون آورد. دولت آمریکا که از متحدین طبیعی مصر و اردن بشمار می آید با بیان "سازمان آزاد بیخش فلسطین بدون تغییر اساسی موضع خود در قبال اسرائیل نقشی در پروسه صلح نمی تواند داشته باشد"، از زیان جرح شولترن، وزیر امور خارجه خود، در بیرون آوردن یاسر- عرفات از این توهم بی تأثیر نبوده است. سخنان ملك حسین نیز صراحت کتسری از بیانات شولترنند. داشته، آنجا که میگوید: "من حاضر نیستم برای فلسطینی ها صحبت، بقیه در صفحه ۱۱

سازمان سازمان آزاد بیخش فلسطین قلمداد کند. رسانه های گروهی و سردمداران حکومتی اسرائیل تلاش ورزیدند تا از ابو- جهاد رقیبی سرسخت و خطرناک برای یاسر عرفات ترسیم کرده و قتل او را بگونهٔ که به عرفات نسبت بدهند. این توطئهٔ صهیونیستی در مقابل موج نوین خیزش توده ای خلق فلسطین و اعتراضات بین المللی به سرعت رنگ باخته و به عکس خود تبدیل شد. خلق فلسطین علیرغم اینهمه جنایات دولت صهیونیستی اسرائیل، تا تشکیل دولت مستقل فلسطین و برقراری نظامی دموکراتیک و انقلابی از پای نخواهد نشست.

### نزدیکی پ.ا.ل. او- و سوریه

ترور ابو جهاد، جانشین یاسر عرفات، موجبات نزدیکی بیشتر سازمان آزاد بیخش فلسطین و سوریه را فراهم ساخت. این نزدیکی طبعاً آن چیزی نبوده که دولت صهیونیستی اسرائیل با بقتل رساندن ابو جهاد بدنیال آن بوده باشد. دولت اسرائیل بدنیال محاسبات دقیق خویش و دست یازیدن به ترور ابو جهاد هدف ایجاد چند دستگی در درون سازمان آزاد بیخش فلسطین و منزوی کردن این سازمان از متحدین واقعی آن و مآلا فرو نشاندن شعله انقلاب فلسطین بود. پنج سال پیش که یاسر عرفات از خاک سوریه اخراج گردید، دولت صهیونیستی بخشی از اهداف فوق را دستیافته تلقی کرد. اخراج عرفات از سوریه و ایجاد شکاف بین سازمان آزاد بیخش فلسطین و دولت سوریه

### آدرس در خارج از کشور

PLK  
Nr. 117009 C  
5000 KÖLN 1  
WEST-GERMANY

پایدار باد خاطرۀ شهید ای جاوید خلق ترکمن!